

۹ شبهه از مهمترین شبهات درباره انتخابات به همراه پاسخ

۱. با وضعیت موجود کشور، چرا رأی بدهیم؟

اگر در انتخابات دشمن حس کند انسجام ملی وجود ندارد، برای امنیت کشور مشکل ایجاد می‌کند. اگر مشارکت پایین باشد، بر شدت تحریم‌ها افزوده می‌شود. دشمن علت تحریم‌ها را ناراضی کردن ملت نسبت به حکومت بیان کرده‌است و با تحریم انتخابات، دشمن احساس پیروزی کرده و راه خود را با قدرت بیشتری ادامه می‌دهد و تحریم‌ها بیشتر می‌شود. بعد از فتنه‌ی ۸۸ وقتی ملت به صحنه آمد و استقامت کرد و تندترین موضع‌ها را داشت، آمریکا عقب‌نشینی کرد و اوپاما ایران را به‌عنوان قدرت جهانی قبول کرد. ضمناً شرکت نکردن در انتخابات به این معنی است که حق خود را واگذار کرده‌ام تا شخص دیگری برای من و رئیس‌جمهور من تصمیم بگیرد.

ما برای منافع خودمان رأی می‌دهیم؛ به عنوان نمونه منزل مسکونی که امروز با ۵۰۰ میلیون تومان هم نمی‌شود خرید، چند سال پیش با پرداخت ۵۰ میلیون تومان قابل خرید و فروش بود؛ پس تغییر فرد منتخب و در نتیجه تغییر سیاست‌های اجرایی کشور، تأثیر مستقیم بر زندگی مردم دارد.

رأی دادن باعث خشم و عصبانیت دشمن می‌شود و طبق آیه‌ی ۱۲۰ سوره‌ی مبارکه‌ی توبه، برای ما به‌عنوان عمل صالح محاسبه می‌شود. در این آیه آمده‌است «وَلَا يَطُؤْنَ مَوْطِئًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوِّ نَيْلًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ»؛ هیچ قدمی در جایی که کفار را خشمگین کند نمی‌گذارند و هیچ دستبردی به دشمنان نرسانند جز آن‌که در مقابل هر یک از این رنج و آلام، عمل صالحی در نامه‌ی اعمالشان نوشته شود. غالب مراجع تقلید رأی دادن واجب شرعی است و رأی ندادن و در نتیجه تضعیف نظام اسلامی را حرام می‌دانند. پس شرکت در انتخابات یک وظیفه و تکلیف شرعی است.

۲. دولت هیچ‌کاره است و اختیاری ندارد، اختیارات در دست دیگر قسمت‌های نظام و برخی

دستگاه‌ها و نهادها است. پس چرا رأی بدهیم؟

اگر شما شاگرد یک مکانیکی یا خیاطی شوید، بعد از سه روز متوجه حوزه‌ی اختیارات خود می‌شوید؛ آیا رئیس‌جمهور بعد از ۴ سال اختیارات خودش را نمی‌داند که مجدداً نامزد می‌شود؟! از آن مهم‌تر، اکثر رؤسای‌جمهور بعد از هشت سال و گذشت مدتی، مجدداً نامزد می‌شوند و وعده‌ی حل مشکلات می‌دهند. به‌عنوان مثال آقای هاشمی رفسنجانی که دو دوره، ریاست‌جمهوری را بر عهده داشتند سال ۱۳۸۴ مجدداً نامزد شدند و یا آقای احمدی‌نژاد در سال ۱۳۹۶ و ۱۴۰۰ دوباره نامزد شدند.

اگر دولت‌ها هیچ‌کاره هستند و اختیاری ندارند، علت این اشتیاق سیاستمداران از گروه‌های مختلف برای ثبت نام و رئیس‌جمهور شدن چیست؟

اگر دولت‌ها هیچ‌کاره هستند و اختیاری ندارند، چرا برای رئیس‌جمهور شدن هزینه می‌کنند؟ اگر دولت‌ها هیچ‌کاره‌اند و اختیاری ندارند چرا نامزدهایی که سال‌ها سابقه‌ی مسئولیت دارند و کاملاً به شیوه‌ی مدیریت کشور آگاه هستند، این قدر وعده‌ی تغییر و اقدام می‌دهند؟

۹ شبهه از مهمترین شبهات درباره انتخابات به همراه پاسخ

بودجه‌ی کشور را دولت پیشنهاد می‌دهد. خوب است بدانید بودجه سال ۱۳۹۹ کشور تقریباً ۲۰۰۰ میلیارد تومان بوده است و نحوه‌ی هزینه کردن چنین رقم هنگفتی عموماً توسط رئیس‌جمهور ارائه می‌شود. انتخاب وزرا و روسای سازمان‌های دولتی بر عهده‌ی رئیس‌جمهور است که خود آنان به نوبه خود دارای اثرگذاری فراوان هستند.

سی و شش اصل از اصول قانون اساسی، میزان اختیارات رئیس‌جمهور را مشخص می‌کند و اختیارات رئیس‌جمهور تا به آن جا است که طبق اصل ۱۴۷ قانون اساسی، تجهیزات ارتش برای امور مختلف در اختیار دولت است. در این اصل آمده است «دولت باید در زمان صلح از افراد و تجهیزات فنی ارتش در کارهای امدادی، آموزشی، تولیدی، و جهاد سازندگی، با رعایت کامل موازین عدل اسلامی استفاده کند؛ در حدی که به آمادگی رزمی ارتش آسیبی وارد نیاید.»

بسیاری از شوراها و نهادهای تصمیم‌گیر توسط رئیس‌جمهور و منصوبین وی مدیریت می‌شوند. مثلاً ۲۸ شورای عالی به صورت مستقیم زیر نظر رئیس‌جمهور قرار دارد و ریاست این شوراها با شخص رئیس‌جمهور است. شورای عالی امنیت ملی که مسئول تصمیم‌گیری‌های امنیتی کشور، اقدامات نظامی، تصمیماتی که ممکن است تبعات امنیتی داشته باشد و ... توسط رئیس‌جمهور و منصوبین وی کنترل می‌شود؛ مانند شورای عالی آب، شورای عالی بیمه، شورای عالی اقتصاد، شورای عالی اشتغال، شورای عالی آموزش و پرورش و نیز ۱۳ شورای عالی دیگر نیز به صورت غیرمستقیم زیر نظر رئیس‌جمهور است.

۳. به خاطر اعتراض به وضع موجود رأی نمی‌دهیم تا حکومت تنبیه شود.

اگر منظور، تنبیه دولت قبلی است که او رفته است پس قرار است چه کسی را تنبیه کنیم؟ در کنار این، بررسی‌ها نشان می‌دهد که صدای معترضان خاموش، شنیده نمی‌شود. انتخابات زیادی در طول تاریخ و در کشورهای گوناگون وجود دارد که در آن‌ها اکثر مردم رأی نداده‌اند. به عنوان معروف‌ترین مثال می‌شود به انتخابات سال ۱۹۹۶ آمریکا اشاره کرد. در انتخابات سال ۱۹۹۶ ایالات متحده، بیش از ۵۰ درصد از واجدین شرایط، در انتخابات شرکت نکردند و تنها ۲۴ درصد از واجدین شرایط امریکایی رئیس‌جمهور کشورشان را انتخاب کردند اما آیا فریاد سکوت مردمی که به پای صندوق‌های رأی نرفته بودند شنیده شد؟! آیا رأی مخالف ۷۶ درصد جمعیت آمریکا، از ورود کلینتون به کاخ سفید جلوگیری کرد؟ آیا بیل کلینتون کمتر از او باما رئیس‌جمهور بود؟!

در انتخابات سال ۲۰۰۸ همین کشور، میزان مشارکت به بالاترین حد خود در طول چهار دهه رسید؛ انتخاباتی که اولین رئیس‌جمهور سیاه‌پوست آمریکا را به کاخ سفید رساند.

۹ شبهه از مهمترین شبهات درباره انتخابات به همراه پاسخ

۴. چرا رأی بدهیم وقتی نظام خودش انتخاب می کند و رأی ما نمایی است؟

اگر نظام خودش انتخاب می کرد آیا منطقی بود عالی ترین مقامها خودشان را چند بار در معرض رأی مردم قرار دهند و با وجود رأی نیاوردن در یک انتخابات، در انتخابات بعدی نیز ثبت نام کنند؟ یکی از مهم ترین نمونه های سلامت انتخابات، رأی آوردن افراد در دولتی مخالف تفکرات خودشان است؛ مثلاً رأی آوردن آقای احمدی نژاد در دولت آقای خاتمی و رأی آوردن آقای روحانی در دولت آقای احمدی نژاد. تاریخ شاهد است که نظرسنجی ها و رسانه های داخلی و خارجی، گزینه ی دیگری را تحت عنوان گزینه ی انتخابی نظام معرفی می کردند اما در نهایت شخصی کاملاً متفاوت رأی می آورد. در انتخابات سال ۱۳۹۲، آقای روحانی تنها ۰/۷۱ درصد بیشتر از حدنصاب رأی آورد و اگر نظام اهل چنین کاری بود و یا اصولاً چنین کاری امکان داشت، باطل کردن ۰/۷۱ درصد آرا، عدد بسیار کمی رأی را شامل می شد.

اگر انتخاب نظام از ابتدا مشخص بود چرا رسانه های معاند، در حمایت از یک نامزد خاص هزینه می کنند؟ آیا آن ها متوجه این نشدند که نظام خودش انتخاب می کند که این همه هزینه نکنند؟! در انتخابات، دشمنان و شبکه های بیگانه به طور جدی به حمایت از نامزدهای غرب گرا پرداخته و از مردم می خواهند به آنها رأی دهند. اگر نتیجه ی انتخابات از قبل مشخص است، آیا هیچ کدام از این سیاستمداران و غول های رسانه ای این موضوع را نمی دانند؟

فرایند انتخابات در ایران به گونه ای است که امکان چنین چیزی وجود ندارد. هر نامزد می تواند در پای هر صندوق رأی یک نماینده داشته باشد که از ابتدا تا انتهای رأی گیری و شمارش آرا حضور داشته باشد و همچنین در مراحل تجمیع و... در چنین شرایطی کوچک ترین تغییری به راحتی قابل تشخیص و پیگیری و اثبات است؛ همچنین مجریان انتخابات عمدتاً معتمدین مردم و اقشار مختلف مردم هستند و از همین رو، گروه های مختلف در این فرآیند شرکت داشته و ناظر یکدیگر می باشند.

۵. اگر قرار بود با رأی دادن، مسائل اصلاح شود، در این چهل سال با وجود مشارکت بالا، مشکلات اصلاح شده بود.

مقام معظم رهبری (حفظه الله) در بیانیه ی گام دوم می فرمایند «فاصله ی میان بایدها و واقعیتها، وجدان های آرمان خواه را عذاب داده و می دهد اما این فاصله طی شدنی است و در طول این ۴۰ سال در مواردی بارها و بارها طی شده است.»؛ یعنی یک جا قرار بوده باشیم و یک جا هستیم. این دو با هم فاصله دارد. در طول این ۴۰ سال در خیلی موارد، ما این فاصله را طی کرده ایم. در سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۳، ما ۱۷ هزار شهید ترور داشتیم اما الان امن ترین کشور دنیا در ناامن ترین نقطه ی دنیا هستیم. ما ۴۰ سال پیش سیم خاردار نمی توانستیم تولید کنیم و ۳ کامیون برای ما از یوگوسلاوی سیم خاردار آوردند اما الان موشک های نقطه زن ما دارد چه کار می کند؟ در تولید علم ما جزء ۵۰ کشور اول دنیا هم نبودیم اما الان پانزدهمین کشور دنیا در تولید علم هستیم. ما اصلاً جزو کشورهایی نبودیم که ۱٪ مقالات پر استناد را دارا بودند اما الان ۳٪/۱ مقالات پر استناد برای ما است. ۵٪

۹ شبهه از مهمترین شبهات درباره انتخابات به همراه پاسخ

مقالات دسته اول برای ما است. ما جزو ۳۰ کشور اول دنیا در ثبت اختراع نبودیم اما الان هفتمین کشور دنیا در ثبت اختراع هستیم. بیست سال پیش بیست گروه جهادی در بم حضور پیدا کردند اما در زلزله‌ی اخیر، ۲۵۲۰ گروه جهادی در صف اعزام بودند که نوبت آن‌ها نشد. امید به زندگی ما یعنی میانگین عمر افراد طبق گزارش WHO، ۴۰ سال قبل از تمام کشورهای همسایه پایین تر بود اما اکنون از خیلی کشورها بالاتر هستیم. در شاخص توسعه‌ی انسانی یعنی HDE، بالاترین رشد را در این ۴۰ سال داشتیم. در دوران شاه، استالین، چرچیل و روزولت به ایران می‌آیند بدون این که به شاه خبر دهند اما نماینده‌ی ویژه‌ی ترامپ (شینزو آبه) به ایران می‌آید و رهبری حتی نامه‌ی او را نمی‌گیرند. کجا بودیم و کجا هستیم؟ فاصله‌ی بین بایدها و واقعیت‌ها خیلی طی شده است و اگر تفکری بیاید که قائل به تولید داخل باشد، مشکلات اقتصادی هم حل خواهد شد.

۶. باتوجه به اوضاع کرونایی کشور چرا باید انتخابات برگزار شود و چرا باید در انتخابات شرکت کنیم؟

کشورهایی مثل آمریکا و فرانسه و... در شرایط کرونایی انتخاباتشان را برگزار کردند. در همین دوران کرونایی مشارکت در انتخابات آمریکا رکورد زد و در ۵۰ سال اخیر بی سابقه بود. ضمن این که تمهیدات اندیشیده شده است و تعداد صندوق‌ها بیشتر شده است و در فضای باز است و اثر انگشت حذف شده است و...

۷. آیا رئیس جمهور می‌تواند بدون اتکا یا سازش به غرب اقتصاد را رونق دهد؟

برای پاسخ به این سؤال باید به تجربه‌ی دیگر کشورها مراجعه کنیم؛ به عنوان نمونه کشورهایی که حل مشکلات اقتصادی خود را بر پایه‌ی نگاه به بیرون قرار دادند، هیچ‌گاه روی آسایش و سعادت را ندیدند و کشورهای پیشرفته‌ی دنیا با تکیه بر ظرفیت داخلی پیشرفت کردند؛ مانند بریتانیا، آمریکا، کره جنوبی، ژاپن، آلمان و... پس اگر رئیس جمهور تفکر نگاه به درون و رونق تولید را داشته باشد وضعیت اقتصادی کشور سامان یابد. کشور کره جنوبی اوضاع بسیار بدی از لحاظ اقتصادی داشت، به طوری که درآمد سرانه‌ی مردم کره در سال ۱۹۶۱ از کشورهای هائیتی، اتیوپی و یمن پایین تر بود و ۴۰٪ مردم نیز از فقر مطلق رنج می‌بردند. کره جنوبی کاملاً تحت سلطه‌ی آمریکا و برای گذران امور خود وابسته به کمک‌های مالی به ویژه کمک‌های آمریکا بود اما با روی کار آمدن رئیس جمهوری متفاوت، اوضاع بسیار تغییر کرد. او برای پیشرفت کشورش، استراتژی اقتصاد متکی به درون از طریق نگاه به داخل و با شعار «دفاع خوداتکا، اقتصاد خودکفا» را در پیش گرفت. او مقابل سیاست‌ها و دخالت‌های آمریکا ایستاد تا آنجا که آمریکا کمک‌های مالی خود به دولت کره را قطع کرد و عملاً تحریم‌ها را شروع کرد اما دولت کره به جای این که بر لغو تحریم‌ها تمرکز کند، با نادیده گرفتن و دور زدن محدودیت‌های آمریکا، راه تمرکز بر تولید را در پیش گرفت و به رشد اقتصادی چشمگیری دست پیدا کرد. پیشرفت‌های اقتصادی کره و شرکت‌هایی مانند هیوندای، سامسونگ، ال‌جی و بسیاری از شرکت‌های مطرح کره‌ای که در حال حاضر جزو قدرت‌های اقتصادی دنیا هستند، ریشه در سیاست‌های حمایت از تولید داخلی دارد.

۸. آیا بهتر نیست که نهادهای دیگری در جمهوری اسلامی ایران نقش شورای نگهبان را در زمینه‌ی تأیید صلاحیت کاندیداهای انتخابات ریاست جمهوری داشته باشد؟

فلسفه وجودی نظارت مقامات غیراجرایی بر انتخابات، را باید در سلب قدرت از قوه‌ی مجریه دید که قهراً به علت داشتن امکانات اجرا، امکان نفوذ در انتخابات یا متوجه کردن آرای عمومی به سمت و سوی خاص را دارد. این نکته همیشه ذهن قانون‌گذاران اساسی را به خود مشغول و آنان را وادار کرده تا در این خصوص تمهیداتی بیندیشند، تا بتوانند مقامات منتخب را در اعمال اراده آزاد و مستقلشان در انجام وظایف یاری کنند. سپردن انجام این امر به نهادی خارج از قوای اجرایی یا حداقل سپردن اختیارات وسیع نظارتی بر امر انتخابات از جمله این تمهیدات است.

برخی معتقدند چون هیئت‌های اجرایی مسئول برگزاری انتخابات در کشورند، لذا بهتر است پس از ثبت نام و اعلام آمادگی کاندیداتورها در همین هیئات و نهایتاً در وزارت کشور تعیین صلاحیت شده و افراد فاقد صلاحیت از شرکت در انتخابات محروم گردند. هم چنین صاحبان این نظریه معتقدند پس از این که هیئت‌های اجرایی صلاحیت فردی را تأیید نمودند، هیچ مرجع دیگری حق اظهارنظر در این باره را نداشته و تنها در صورتی که صلاحیت یکی از کاندیداها رد شود، می‌توانند به شورای نگهبان شکایت کرده و شورای نگهبان پس از رسیدگی به اعتراض او تصمیم نهایی را خواهد گرفت.

دلایلی که این افراد معمولاً برای مرجع تشخیص بودن وزارت کشور در بررسی صلاحیت‌ها ذکر می‌کنند عبارت‌اند از:

دلیل اول: ممکن است شورای نگهبان با اعمال سلیقه‌های خطی و جناحی مانع از ورود عده‌ای به مجلس گردد و حال آن که هیئت اجرایی از این نوع برخوردها به دورند!

اساساً سخن فوق فاقد دلیل است، چراکه ممکن است گفته شود همین اشکال در مورد هیئت‌های اجرایی و وزارت کشور و هر مرجع دیگری هم قابل تصور است، درحالی که مطمئناً برفرض اعمال سلیقه‌های خطی و سیاسی توسط شورای نگهبان، این امر درباره هیئت‌های اجرایی و حتی وزارت کشور نه تنها منتفی نیست، بلکه در مقایسه ترکیب شورای نگهبان با وزارت کشور و بخش‌های اجرایی تابعه آن باید اعمال سلیقه‌های خطی و جناحی در وزارت کشور را بیش‌تر و قوی‌تر محتمل دانست؛ چه این که، شورای نگهبان واجد شش فقیه عادل است و اعمال سلیقه شخصی یا حزبی از ناحیه آنان بعید است.

دلیل دوم: تعیین صلاحیت کاندیداها از امور اجرایی بوده و لذا از وظایف خاص بخش‌های اجرایی است و طبعاً تصمیم‌گیری شورای نگهبان در این خصوص دخالت در امور اجرایی می‌باشد.

مسلماً این دسته معتقدند اگر صلاحیت نامزدی تأیید نگردد و او به این امر اعتراض کند، شورای نگهبان مرجع رسیدگی به اعتراض می‌باشد؛ حال چگونه قابل توجیه است که رسیدگی شورای نگهبان به اعتراضات کاندیداها از امور اجرایی و دخالت در اجرا محسوب نمی‌شود، ولی اگر ابتدائاً رسیدگی به صلاحیت داوطلبان را انجام دهد دخالت در اجرا است؟! و یا این که، چگونه اتخاذ تصمیم توسط شورای نگهبان درباره‌ی

۹ شبهه از مهمترین شبهات درباره انتخابات به همراه پاسخ

کسانی که از نظر وزارت کشور تأیید شده و یا احتمال این که ممکن است تأیید آنها متأثر از موضع گیری های خطی و سیاسی هم باشد از جملهی دخالت در اجرا می باشد؟ به ویژه آن که قوه مجریه متشکل از حاکمان و افراد صاحب نفوذ و قدرت در جامعه می باشد. علاوه بر این، صاحبان همین استدلال پس از تفسیر اصل ۹۹ قانون اساسی توسط شورای نگهبان، به طور جدی در صدد برآمدن تا بررسی صلاحیت ها را به قضاوت دادگاه ها و قوه قضاییه محول کنند، حال چگونه می توان نظارت شورای نگهبان را دخالت در اجرا دانست، اما تصمیم گیری توسط قوه قضاییه را معتبر و منطبق با قانون؟! و...

دلیل سوم: یکی دیگر از ادله این گروه این است که اگر شورای نگهبان صلاحیت کسی را رد کند، هیچ مرجع دیگری نیست که به اعتراض و شکایت داوطلب مردود رسیدگی نماید، از این روی لازم است که در ابتدا در هیئتی اجرایی رسیدگی شده و در صورتی که صلاحیت کسی تأیید نگردد بتواند به مرجع دیگری شکایت کند. اگرچه استدلال فوق در درون خود نفی دلایل اول و دوم را در بردارد، ولی در عین حال بدون پایه و اساس منطقی و حقوقی نیز می باشد؛ زیرا همان گونه که آشنایان به قوانین و مقررات قضایی ملل مختلف دنیا به ویژه قوانین جمهوری اسلامی ایران می دانند، رسیدگی به بسیاری از جرایم و دعاوی یک مرحله ای بوده که در برخی موارد هم منجر به مجازات سنگین و مهمی می گردند و فرض قانون گذار هم بر اساس یک اندیشه منطقی چنین است که اولاً قاضی و محکمه صلاحیت لازم را دارا بوده و ثانیاً رسیدگی های مکرر و چندباره نه تنها غالباً منتهی به صدور حکم مشابه می گردد، بلکه اساساً نظام قضا را مختل و نهایتاً از کارایی لازم باز خواهد داشت.

حال کسانی که به طور مسلم چنین مکانیزمی را در رسیدگی های قضایی منطقی و صحیح می دانند، رسیدگی به پرونده و صلاحیت یک داوطلب را که ممکن است، توسط شش نفر از فقهای طراز اول که توسط بالاترین شخصیت نظام اسلامی (رهبر) منصوب شده اند و شش نفر از حقوق دانان برجسته را که توسط رئیس قوه قضاییه معرفی و نهایتاً به وسیله نمایندگان مجلس شورای اسلامی برگزیده می شوند، چگونه خلاف موازین قضا دانسته و معتقدند پس از گذر از رسیدگی شورای نگهبان وجود یک مرجع بالاتری لازم است؟ آیا اگر چنین استدلالی درست باشد غیر از این است که باید جمعی از مراجع عظام و سیاستمداران برجسته از آنها و یا به هر حال عده ای از کرات دیگر به زمین فراخوانده شده و به صلاحیت داوطلبان رسیدگی کنند.

تعیین قوه قضاییه برای این امر علاوه بر این که برخی از اشکالات فوق را دارا می باشد، با چند اشکال دیگر روبروست:

اشکال اول: دادگستری به موجب اصل ۱۵۹ قانون اساسی مرجع تظلمات و رسیدگی به شکایات است و تعیین صلاحیت کاندیداهای انتخابات از نظر ماهیت امر دیگری غیر از رسیدگی به تظلمات و شکایات است.

اشکال دوم: با توجه به نظام دادرسی در جمهوری اسلامی ایران رسیدگی به پرونده ها و سوابق چند هزار نفر از داوطلبان انتخابات در هر دوره کاری است دشوار و مستلزم مشکلات پیچیده ای خواهد بود، به علاوه این که

۹ شبهه از مهمترین شبهات درباره انتخابات به همراه پاسخ

شش نفر از حقوقدانان عضو شورای نگهبان را رئیس قوه قضاییه از میان حقوقدانان مسلمان برای عضویت در آن شورا پیشنهاد می‌کند و مجلس هم آن‌ها را انتخاب می‌نماید. براین اساس، شورای نگهبان با ویژگی خاص خودش یعنی بهره‌مندی از شش فقیه و شش حقوقدانان نسبت به قضات دادگستری به‌عنوان «مرجع تشخیص صلاحیت‌ها» برتری دارد.

۹. مطابق اصل یکصد و پانزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی «رییس جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند انتخاب گردد...» منظور از رجل سیاسی چیست؟ چرا زنان نمی‌توانند نامزد انتخاباتی شوند؟

در تشخیص صلاحیت‌ها، شرایطی که در ذیل اصل ۱۱۵ ذکر شده «ایرانی الاصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوا، مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور» است. باید بعد از این که تشخیص داده شد فرد مصداق رجل سیاسی است، قرار بگیرد و بررسی شود. پس ممکن است فردی مدیر باشد و دارای سابقه‌ی اجرایی و متقی و مومن هم باشد، اما رجل مذهبی سیاسی نباشد. پس شرط اصلی، رجل مذهبی سیاسی بودن است که تشخیص این امر بر عهده شورای نگهبان است. برخی حقوقدانان معتقدند کلمه «رجال» در این اصل، به معنی لغوی و حقیقی خود به کار نرفته است؛ لذا منظور از آن مردان نیست؛ بلکه رجال به معنی شخصیت‌ها و افراد شاخص است و با این برداشت شامل زنان نیز می‌شود. از نظر متون مذهبی نظیر قرآن نیز در موارد متعددی رجال به معنای مرد بودن و در مقابل زنان بکار رفته و اما در عین حال در مواردی نیز رجال به معنی اشخاص به کار رفته و می‌توان گفت که خاص مردان نیست. با مراجعه به مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی نیز مشخص می‌شود که در هنگام تدوین قانون اساسی، خبرگان حاضر در جلسات دوگونه نظر داشته‌اند: برخی معتقد بودند با توجه به این که منصب ریاست جمهوری شغلی همانند قضا، یا مرجعیت نیست پس تصدی آن توسط زنان واجد شرایط نیز بدون اشکال است و برخی دیگر که اکثریت را تشکیل می‌دادند معتقد بودند تصدی ریاست جمهوری نوعی حکومت و ولایت است و حکومت تنها خاص قضا و مرجعیت نیست؛ بلکه طبع این منصب که به نوعی مقتضی حاکمیت ولو در حد معینی است، نمی‌تواند به زنان واگذار شود زیرا مضامین وارده و نیز فتاوی مشهور از پرداختن زنان به حکومت به معنی خاص ابا دارد. شورای نگهبان که مفسر قانون اساسی است، هنوز تفسیر مشخصی از این واژه ارائه نداده است.